



فقیهی که عمرش را صرف جمع‌آوری منابع شیعه کرد

آیت الله ردایی، استاد حوزه و دانشگاه گفت: بیشتر عمر شیخ صدوق در جمع‌آوری احادیث و منابع شیعه صرف شد که شاید بزرگ‌ترین آنها کتاب «مدینه العلم» بود که متأسفانه امروز در دسترس نیست.

آیت الله ردایی، استاد حوزه و دانشگاه گفت: بیشتر عمر شیخ صدوق در جمع‌آوری احادیث و منابع شیعه صرف شد که شاید بزرگ‌ترین آنها کتاب «مدینه العلم» بود که متأسفانه امروز در دسترس نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، (۳۰۵ - ۳۸۱ ق) از علمای شیعه در قرن چهارم هجری قمری و بزرگ‌ترین محدث و فقیه مکتب حدیثی قم به شمار می‌آید. حدود ۳۰۰ اثر علمی به او نسبت داده شده ولی بسیاری از آنها امروزه در دسترس نیست. کتاب من لایحضره الفقیه از کتب اربعه شیعه اثر اوست. از دیگر آثار مهم و معروف وی می‌توان معانی الاخبار، عیون الاخبار، الخصال، علل الشرایع و صفات الشیعه را نام برد. سید مرتضی و شیخ مفید از مشهورترین شاگردان این فقیه بزرگ شیعه اند. مدفن شیخ صدوق در ری است.

به مناسبت روز بزرگداشت شیخ صدوق گفتگویی انجام دادیم با آیت الله حسین ردایی، استاد حوزه و دانشگاه که در ادامه آمده است؛

آیت الله حسین ردایی پیرامون شیخ صدوق در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: اسم شناسنامه ای مرحوم شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی است که به شیخ صدوق مشهور هستند. این شهرت را شیخ طوسی از کلمات شیخ الطائفه درآوردند که در باب فضائل ایشان کلمه «صدوق» را به کار برده است. در ادامه ابن ادریس حلی اول رسماً ابن بابویه معروف را به شیخ صدوق لقب دادند.

شیخ صدوق فضیلت بسیار دارد. اولاً اینکه بزرگانی مثل شیخ الطائفه و شیخ طوسی، چنین فضیلت و جایگاهی برای شیخ صدوق قائل شدند و چنین لقبی دادند. سپس علمای بزرگی مثل ابن ادریس این لقب را مکرر استعمال کردند تا در میان فقها به شهرت رسید.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: مرحوم شیخ صدوق یکی از بزرگان حدیث شیعه است. می‌توان گفت از جهاتی بی نظیر و از جهاتی هم کم نظیر است. شیخ صدوق متولد سال ۳۰۵ هجری قمری و متوفی ۳۸۱ هجری قمری است. یعنی ۷۶ سال عمر با برکت به معنای واقعی کلمه داشتند. ایشان تا سن ۲۲ سالگی در محضر پدر بزرگوار و اساتید دیگر تلمذ کردند تا به مرتبه تخصص حدیثی برسند و در فاصله اندکی به مرتبه تخصص استنباطی و اجتهادی دست یافتند. شیخ صدوق و بعضی از بزرگان مانند شیخ کلینی را متأسفانه فقط به عنوان محدث می‌شناسیم. به این دلیل که کتاب مجموعه احادیث فقهی و غیر فقهی شیعه را جمع‌آوری کردند به این مسئله شهرت پیدا کردند. در حالی که بیشترین تبلور مرحوم کلینی و مرحوم شیخ صدوق را در ناحیه اجتهاد و فقاقت باید تجلی داد.

وی ادامه داد: ایشان تا حدود سن ۲۳ سالگی هم از بزرگان و اساتیدی مثل پدر بزرگوارشان و همچنین از بزرگانی دیگری مثل مرحوم کلینی که کمتر به عنوان استاد شیخ صدوق یاد شده و بعد بزرگان دیگری مثل احمد بن علی بن ابراهیم، احمد بن محمد بن عیسی، محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی، محمد بن موسی بن متوکل و دیگرانی که از مشاهیر بزرگ حدیثی بودند بهره جستند. بنابراین یکی از فضائل شیخ صدوق تخصص در حدیث است. تسلط ایشان بر سایر علوم هر کدام فضائل دیگری است و این از آثار شیخ صدوق قابل مشاهده است. یعنی در جهات مختلف علوم انسانی و اسلامی می‌بینیم که شیخ صدوق دارای بهترین آثار است.

یکی از فضائل شیخ صدوق تخصص در حدیث است. تسلط ایشان بر سایر علوم هر کدام فضائل دیگری است و این از آثار شیخ صدوق قابل مشاهده است. یعنی در جهات مختلف علوم انسانی و اسلامی می‌بینیم که شیخ صدوق دارای بهترین آثار است

حسین ردایی اضافه کرد: یک بخش زیادی از آثار ایشان مربوط به جمع‌آوری احادیث و روایات است و کتاب‌هایی که در این زمینه دارند بیشتر جنبه حدیثی دارد. مانند کتاب «من لا یحضره الفقیه» که یک کتاب اجتهادی است و نه صرفاً حدیثی. چرا که در زمان این بزرگان که صدر غیبت است، یعنی زمان غیبت صغری و اوایل غیبت کبری، فقهای ما احادیثی

را در باب فقه و احکام انتخاب می کردند، روایاتی که از نظر سندی مورد اتقان و اطمینان شان بوده و همان محتوای آن حدیث، فتوای این شخصی می شد که این احادیث را در یک کتاب جمع آوری کرده است. یعنی در آن زمان مسئله اجتهاد و تقلید به این نحوی که بعد از زمان شیخ طوسی شروع شد نبوده است.

وی سپس گفت: آنها با توجه به تتبع سندی و تعمق دلالتی احادیث، احادیثی را انتخاب کردند که همان حدیث نظر فتوایی آن فقیه می شد، لذا شیخ صدوق این کتاب حدیث فقهی را «من لا یحضره الفقیه» نام گذاشتند. یعنی کسی که دسترسی به فقیه و مرجع نداشته باشند که مسائل فقه شیعه را بپرسد، این کتاب مرجعیت فقهی و علمی شیعه می شود. این هم نشان دهنده قوت حدیثی شیخ صدوق و هم نشان دهنده قوت فقهی اوست. کتاب های حدیثی دیگر مثل «معانی الاخبار»، «علوم الاخبار»، «صفات الشیعه» و کتب دیگر هم صرفاً جنبه جمع آوری حدیث ندارد بلکه همراه با نکات و توجهات ویژه ای است.

حسین ردایی اظهار داشت: یک کتاب دیگر هم از شیخ صدوق در یکی دو قرن مورد استفاده خواص، فقها و حتی محدثین بود به نام «مدینه العلم» که این کتاب مفقوده شده است. هر چه بزرگان جستجو کردند و حتی حاضر بودند هزینه های زیادی بدهند، اما هر چه تلاش کردند نتوانستند آن را بیابند. کتاب «مدینه العلم» تألیف شیخ صدوق یکی از سرمایه های علمی شیعه بود که از دست رفت. حتی بعضی از بزرگان آن را جامع و بهتر از کتاب «من لا یحضره الفقیه» دانسته اند و گفته اند اگر این کتاب بود الان منابع حدیثی معتبر شیعه که کتب اربعه است در آن صورت کتب خمس می شد. یعنی کتاب «مدینه العلم» شیخ صدوق هم در واقع یکی از منابع معتبر شیعه محسوب می شد که نشان دهنده عظمت علمی و فضیلت شیخ صدوق است.

وی همچنین گفت: همه کسانی که در مسائل معرفتی اندکی اطلاع دارند می دانند ما معمولاً مواردی را جزو فضائل می دانیم که به دو گونه است؛ اول آن برجستگی های کمالی اختیاری انسان که او با اختیار خود به یک سری از کمالات، درجات و مراتبی می رسد که فضیلت محسوب می شود. دوم فضایی که تحصیلی نیست و بلکه اعطایی است. یعنی اشراقی و اعطایی از طرف خداوند سبحان یا واسطه های فیض الهی است و به انسان داده می شود. این هم جزو فضائل انسان است. در آیات قرآن کریم هم فراوان داریم که اگر فضل الهی نبود لکنّت من الخاسرین. پس بسیاری از درجات و مراتب انسان ها در جهت تفضّل الهی به آن شخص است.

حسین ردایی سپس عنوان کرد: یکی از کسانی که برخوردار از کرامت و تفضّل الهی بود قطعاً شیخ صدوق است. اگر به زندگینامه شیخ صدوق مراجعه کنید تقریباً می توان گفت نوشته اند که تولد ایشان و رقم خوردن وجود ایشان در عالم آفرینش به برکت دعای امام عصر (عج) بوده است. یعنی پدر بزرگوار ایشان تا سن ۵۰ سالگی فرزندی نداشت. سال ۳۰۵ دوران نیابت خاصه حضرت ابوقاسم حسین بن روح بوده و تا این زمان پدر ایشان یعنی علی بن بابویه قمی در حدود ۵۰ سال داشت و فرزندی نداشت. به ذهنش خطور کرد و یا برخی نوشتند به ایشان پیشنهاد کردند که شما از طریق حسین بن روح از امام عصر درخواست کنید.

وی افزود: ایشان هم در قالب یک نامه ای درخواست شان را نوشتند و خدمت حسین بن روح دادند و نامه تحویل امام عصر شد. جواب نامه سه روز بعد برای پدر شیخ صدوق آمد که امام عصر نوشتند من از درگاه خداوند برای شما دو فرزند خواستم که از جمله فقها و اهل خیر و برکت در عالم شیعه قرار بگیرند. چنین دعا و خواسته ای از ولی و حجت خدا و امام معصوم برای اینکه وجود تکوینی شیخ صدوق در عالم دنیا تکون پیدا کند را شاهد هستیم. این هم یکی از فضائل شیخ صدوق است که کمتر افرادی برخوردار از چنین فضیلت هایی هستند. همچنانی که تولد امیرالمومنین (ع) در داخل خانه خدا یک فضیلتی برای ایشان محسوب می شود، قطعاً اینکه تولد شیخ صدوق به واسطه دعای امام عصر (عج) محقق می شود هم یکی از فضائل شیخ صدوق است.

حسین ردایی خاطرنشان کرد: یک بخشی از فضائل ایشان را می توانیم مربوط به تحصیل علم کنیم که پشتکار ایشان در تحصیل علم بسیار برجسته بود. ایشان بعد از رحلت پدر بزرگوارشان با اینکه به مراتبی از علم حدیث و حدیث شناسی و حتی به درجات اجتهاد رسید، اما هرگز به این مراتب اکتفا نکرد. در زندگی نامه شیخ صدوق می بینیم به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کرد که عمده سفرهای او سفرهای علمی بود، ولی متأسفانه در بعضی از این منابع و حتی سایت ها بیشتر جنبه های زیارتی به سفرهای شیخ صدوق داده اند. در حالی که سفرهای او علمی بود مگر یک سفر حج که آن را هم نمی توانیم صرفاً زیارتی بدانیم. چون بسیاری از منابع و کتاب های حدیثی را قطعاً در همان سرزمین عربستان دنبال کرد.

وی در ادامه گفت: شیخ صدوق از شرق تا جنوب شرق آسیا و تا جزیره العرب و این طرف تا بلخ، بخارا و همه جاهایی که

آثار حدیثی وجود داشت، برای پیدا کردن احادیث شیعه سفر کرده است. زادگاه و تربیت علمی شیخ صدوق تا یک مرتبه ای از پختگی او در قم بوده است. برای اینکه یک محدث و فقیه قمی با همه منابع و کتابخانه ها و آثار شیعی آشنا شود و تسلط پیدا کند ناچار بود به شهرها و کشورهای مختلف سفر کند تا در دو جهت یکی از کتابخانه های علمی و حدیثی آنها بهره بگیرد و دوم از علمای به نام و خیره هر شهر و دیار کشورهای اسلامی استفاده کند. این نشان دهنده انگیزه عالی و توانمندی علمی ایشان است.

حسین ردایی اضافه کرد: یکی دیگر از فضائل ایشان ذو جهتی دیدن ایشان است. یعنی به هر شهری که وارد می شدند هم خدمت علما و محدثین آن شهر وارد می شدند و از محضر آنها کسب فیض می کردند. اگر از مشایخ و اساتید طبق محل سکونت آنها آمار بگیریم معلوم می شود که ایشان به دیدار مشایخ و اساتید حدیثی از هر شهر و دیاری و کشوری رفته بودند. همچنین در هر جا که ایشان سکنی می گزیدند به جهت تسلط حدیثی و تسلط بر مباحث معرفتی، اعتقادی و کلامی و مناظره و پاسخگویی به شبهات و مسائل علمی، اسلامی و انسانی، کرسی تدریس را هم آغاز می کردند. یعنی هم از عالمان برجسته آن شهر بهره می برد و هم متعلمین، طلاب و اهل تحقیق آن شهر از محضر ایشان فیض می بردند. این مسئله را در زندگی افرادی که برای دستیابی به منابع علمی و اسلامی هجرت می کنند کمتر سراغ داریم.

یکی دیگر از فضائل شیخ صدوق ذو جهتی دیدن ایشان است. یعنی به هر شهری که وارد می شدند هم خدمت علما و محدثین آن شهر وارد می شدند و از محضر آنها کسب فیض می کردند. اگر از مشایخ و اساتید طبق محل سکونت آنها آمار بگیریم معلوم می شود که ایشان به دیدار مشایخ و اساتید حدیثی از هر شهر و دیاری و کشوری رفته بودند و سیس اظهار داشت: بعضی از بزرگان مثلاً علامه امینی و دیگران برای برخی موضوعات مثل موضوعات مربوط به غدیر چنین سفراتی داشتند، ولی فقط مراجعه به کتابخانه ها بود و گاهی هم بحث و مناظره با بعضی از علما بود، اما معلوم می شود که اکتفای شیخ صدوق به این جهت نبوده است. در جهت اشاعه معارف و احادیث به دیگران و به مردم به خصوص طالبین علم و متعلمین نیز کوشایی ویژه ای داشت. یکی دیگر از ویژگی های برجسته شیخ صدوق سلامت نفس است. سلامت نفس، حدیث واقعی و مجدانه، تلاش بی وقفه، احترام به عالمان دین و جهادهای این چنینی باعث دو ویژگی دیگر در شیخ صدوق شد.

حسین ردایی افزود: اول اینکه چند صباحی بعد از ارتحال پدر بزرگوارشان، در شهر ری که در آن زمان مرکزیتی داشت و مدت ها به عنوان پایتخت محسوب می شد، علما و حتی امرای اینجا مثل رکن الدوله - که از پادشاه شیعی بود و علمای شیعه زیادی هم با او همکاری داشتند- اینها مجموعاً شیخ صدوق را با دعوت به یک هجرت توفیقی از قم به ری کشاندند. بعد از مدتی که در ری بود و افاضه فرمود و علمای ری از او استفاده کردند، ایشان برای استغنا بخشی علمی خود و بحث ترویج حدیث و معارف دینی به دیگران و بهره برداری از عالمان سایر دیار و نکته گرفتن و جمع آوری حدیث از کتابخانه های حدیثی کشورها و شهرها، با اجازه رکن الدوله ری را به قصد مشهد ترک کرد و در مسیر در شهرهای مختلف مسیر ری تا خراسان سکنی کردند و استفاده کردند و بعد هم در همان سفر و یا سفرهای بعدی به بلخ و بخارا هم رفتند و از این طرف به سفرهای مربوط به همدان، عراق، کوفه، بغداد و کشورهای عربی می آمدند. بیشتر عمر شیخ صدوق در جمع آوری احادیث و منابع شیعه بود. در نتیجه توفیق پیدا کردند احادیث شیعه را در چند کتاب و هر کدام از آنها را در چند جلد جمع آوری کنند که شاید بزرگ ترین آنها کتاب «مدینه العلم» بود که متأسفانه دستخوش ناامنی سارقان حدیث قرار گرفت.

وی عنوان کرد: یکی از فضائل ایشان که البته شاید برای شیخ صدوق فضیلت چندان عجیبی نیست به دلیل اینکه شاید از میان مردم هم کسانی داریم که از اولیای پنهان الهی و از دوستان خدا و اهل بیت باشند و در اثر تحصیل و طهارت به این فضیلت رسیده باشند و آن تازه و سالم بودن و همچنین طراوت داشتن بدن مطهر ایشان است. چه بسا تا الان و تا ظهور امام عصر هم چنین خواهد بود. نقل کرده اند که در زمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۸ هجری قمری - که خیلی فاصله ای هم نداریم و قریب دو قرن گذشته است - باران شدید و سیلی آمد و زمین های ری را فراگرفت و تخریب کرد و زمین های اطراف قبر مطهر شیخ صدوق هم دچار آبگرفتگی و منجلاب هابی شد. وقتی برای بازسازی این منطقه آمده بودند به سرداب ماندی برخورد کردند. نسبت به آن مکان حساس شدند و به بدن مطهر ایشان برخورد کردند که سالم است و گویا ساعتی قبل از حمام آمده و در حال استراحت است.

حسین ردایی سپس گفت: این موضوع در شهر ری پیچید و به فتحعلی شاه اطلاع دادند و ایشان دستور داد که هیچ اقدامی نکنید تا من شخصاً به آنجا بیایم و بعضی از علمای بزرگ آن زمان که پدر مرحوم آیت الله مرعشی نجفی از جمله آنها بود را همراهی کردند. مرحوم آیت الله جلوه و دیگران آمدند و بدن مطهر شیخ صدوق را ملاحظه کردند و به عظمت شیخ صدوق و طهارت و فضیلت او بیشتر از گذشته با علم شهودی پی بردند. ما الان آنچه که می گویم به علم

حصولی خودمان می گوئیم. ولی کسانی که شیخ صدوق را درک کردند یا سلامت بدن او و تازگی و طراوت او را بعد از ۸۵۷ سال دیدند، به علم شهودی درباره فضائل شیخ صدوق دست پیدا کردند.

وی همچنین اظهار داشت: معمولاً از فعالیت های اجتماعی عالمان دینی و آثار و برکاتی که در جامعه دارند می توان به مواردی چون شاگردپروری اشاره کرد. یعنی فقهای ما و محدثین ما هم و غم شان در طول تاریخ این بود که در میان آحاد جامعه افرادی را پرورش بدهند که بتوانند این علم بزرگ معارف و احادیث اهل بیت را به نسل های بعدی منتقل کنند. لذا شاگردپروری یکی از رایج ترین فعالیت اجتماعی علما و فقها بوده و شیخ صدوق هم در این جهت بسیار موفق بود. با اینکه بیشتر عمر شیخ صدوق در ۵۰ سال آخر به سفرهای علمی گذشت و شاگردانی که تربیت کردند در سفرهای علمی و شهرهای مختلف بودند.

حسین ردایی ادامه داد: این موضوع از دو جهت اهمیت دارد. یکی را که نبودن علم دینی، معارف دین و احادیث اهل بیت است و دیگری توسعه عالمان حدیثی، فقهی و شیعی در اقصی نقاط کشور و بیرون از کشور است. یعنی هر یک یا چند سالی که در یک شهری اقامت کنند شاگردان حدیثی و محدث پپرورانند و بعد اجازه حدیثی بدهند یعنی تربیت مربی نقل حدیث را پرورش دادند و آنها را تربیت کردند تا به شهرهای دیگر حرکت کنند. این یکی از فعالیت اجتماعی و آثار و برکات شیخ صدوق بود. که هم در جهت محدث پروری و هم در جهت توسعه حدیث و محدثین در اقصی نقاط بلاد اسلامی بلکه مناطق اسلامی اهمیت دارد.

وی اضافه کرد: از دیگر آثار و برکات شیخ صدوق همان آثار تألیفی است. همان طور که عرض کردم آثار تألیفی شیخ صدوق را نباید منحصر در حدیث بدانیم، اما در باب مباحث معرفتی، مباحث اعتقادی و کلامی کتاب «التوحید»، کتاب «النبوه»، کتاب «اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب» و کتاب «علل الشرایع» که البته درباره فلسفه فقه است. یعنی در بحث فلسفه فقه هم شیخ صدوق دغدغه دارد. صرف حدیث، اعتقاد و فقه نیست. حتی در فلسفه فقه هم تألیفات دارد. همچنین شیخ صدوق مسئله توجه به مردم را در دو جهت اهمیت می دادند. یکی مسئله شیعه پروری است که یک کتاب بسیار خوبی در این زمینه دارند به نام «صفات الشیعه» که بایدها و نبایدهای شیعه و آنچه را که شیعه باید انجام دهد و آنچه را شیعه باید ترک کند را در آن بیان کرده اند.

یکی از مسائلی که برای شیخ صدوق مسئله مهمی بود، مسئله فلسفه آفرینش انسان است. یکی از ضعف های جوامع اسلامی و حتی امروز جامعه اسلامی خودمان، مسئله معرفت شناسی توحیدی است که بیشترین نقص و کمبود را در این جهت داریم

حسین ردایی همچنین عنوان کرد: در کنار مسئله تربیت اجتماعی بزرگان دین که نسبت به مردم و جامعه دغدغه دارند این است که بتوانند نسبت به بهشت و رسیدن به فیوضات بهشتی، رجا و امید ایجاد کنند و نسبت به مواخذه، عقاب و آتش و عذاب هم بتوانند خوف و خشیت ایجاد کنند. این مسئله را هم شیخ صدوق در کتابی به نام «ثواب الاعمال» و کتاب «عقاب الاعمال» نوشتند. مسئله دیگری که برای شیخ صدوق مسئله مهمی بود، مسئله فلسفه آفرینش انسان است. یکی از ضعف های جوامع اسلامی و حتی امروز جامعه اسلامی خودمان، مسئله معرفت شناسی توحیدی است که بیشترین نقص و کمبود را در این جهت داریم.

وی افزود: اگر معرفت شناسی توحیدی درست شود مردم بقیه کاستی ها و نقصان ها را خواهند فهمید و حتی خودمان هم بهتر خواهیم فهمید و قابل تحمل می شود برای انسان هایی که فکر، اعتقاد، رفتار و اخلاق شان با معرفت توحیدی همراه شود. لذا ایشان کتاب «خلق الانسان» را نوشتند که همان بحث فلسفه آفرینش انسان که بسیار کتاب مهم و اثرگذاری است. در کنار اینها به نگارش کتاب های اخلاقی هم پرداخته اند که نشان می دهد اخلاق هم برای ایشان مورد توجه بوده است. مثل کتاب «أمالی»، کتاب «الاخصال» و همان «صفات الشیعه» و «جزو آثاری است که مربوط به اخلاق اجتماعی است و یکی از دغدغه های شیخ صدوق بود.

حسین ردایی در پایان گفت: یکی دیگر از آثار و برکات شیخ صدوق همفکری دادن و همراهی کردن با دولت و حکومت است. البته در آن جاهایی که دولت و حکومت خواهان خیر دادن به مردم بودند. آن جاهایی که از رهنمودهای علما خواستند بهره ببرند شیخ صدوق در این زمینه بسیار نقش مؤثری داشت. نمونه آن در زمان رکن الدوله بود که اشاره کردم و در این مورد شیخ صدوق خوب درخشید. هم مورد توجه علما و امرا و هم مردم قرار گرفت. حکومت زمان ایشان حکومت اسلامی شیعه به معنای الان که ما داریم نبوده، اما می بینیم دغدغه شیخ صدوق دغدغه تربیت اجتماعی و حکومت دینی است. حتی در عصری که کمترین زمینه برای تحقق اهداف اسلامی و اهداف مکتبی که اهل بیت ترسیم کردند وجود داشته، شیخ صدوق این اهداف را دنبال می کرد.